

نقش امام حسن عسکری علیه السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه
جمال فرزند وحی، فرشته دارابی
فصلنامه تخصصی مطالعات قرآن و حدیث سفینه
سال دهم، شماره ۳۷ «ویژه حدیث»، زمستان ۱۳۹۱، ص ۱۲۲ - ۱۳۷

نقش امام حسن عسکری علیه السلام و اصحاب ایشان در حدیث امامیه

جمال فرزند وحی *

فرشته دارابی **

چکیده: اهل بیت رسول اکرم صلی الله علیه و آله طبق سفارش آن حضرت، در کنار قرآن کریم، بالاترین مرجع علمی اند که خداوند ایشان را برای هدایت و رهبری مسلمانان پس از رسول اکرم صلی الله علیه و آله برگزیده است. امام حسن عسکری علیه السلام یازدهمین امامی است که سکان کشتی هدایت را به دست گرفت. این پژوهش در پی آن است که با ترسیم شرایط سیاسی و اجتماعی حیات ایشان، به عنوان عوامل مهم و اثرگذار در مضمون احادیث و چگونگی نشر آنها، شیوه‌های نقل و نشر حدیث و نقش اصحاب و شاگردان آن حضرت در حفظ و نقل حدیث را وانماید و مدارس حدیثی را که در زمان ایشان رونق گرفت، معرفی کند و آثاری را که به این حضرت نسبت داده‌اند، بررسی نماید.

کلیدواژه‌ها: امام حسن عسکری علیه السلام / حدیث / شیوه‌های نشر حدیث / مدارس حدیثی.

Email: Farzandwahy@yahoo.com

*. عضو هیئت علمی دانشگاه ایلام.

**. دانشجوی کارشناسی ارشد علوم قرآن و حدیث دانشگاه ایلام.

Email: Fereshteh_darabi81@yahoo.com

۱. مقدمه

پس از قرآن کریم، دومین مرجع شناخت احکام و عقاید اسلامی، سنت رسول خدا ﷺ و احادیث معصومین علیهم السلام است. در این مورد خدای تبارک و تعالی با نزول آیه شریفه: «وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ» (نحل (۱۶) / ۴۴) (و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم؛ تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است؛ توضیح دهی. و امید که آنان بیندیشند.) رسول اکرم ﷺ را مکلف به تبیین مسائل قرآنی فرمود. ضمن آنکه عصمت و صلاحیت اهل بیت رسول خدا ﷺ در این آیه شریفه: «لَا يَكُفُّ إِلَّا الْمُطَهَّرُونَ» (واقعه (۵۶) / ۷۹) «جز پاک شدگان بر آن دست نزنند.» مطرح است. در تفسیر آمده است که مراد از مطهرون با توجه به آیه «إِنَّمَا يُرِيدُ اللَّهُ لِيُذْهِبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ أَهْلَ الْبَيْتِ وَيُطَهِّرَكُمْ تَطْهِيرًا» (احزاب (۳۳) / ۳۳) «خدا فقط می خواهد آلودگی را از شما خاندان [پیامبر] بزداید و شما را پاک و پاکیزه گرداند.» منظور از اهل بیت، چهارده معصوم علیهم السلام هستند. (طباطبائی، المیزان، ج ۱۶، ص ۴۶۵) پیامبر ﷺ نیز با صدور حدیث ثقلین، حجیت سنت و سیره عترت خویش را امضاء نمود.

امام حسن عسکری علیہ السلام، یازدهمین امام شیعیان، در شرایطی به امامت رسیدند که همچون پدرگرامی اش در محله نظامی تحت نظر مأموران حکومتی بودند و شیعیان آزادانه نمی توانستند با ایشان ملاقات کنند. از سوی دیگر، شیعیان در این برهه از زمان، در مناطق مختلف پراکنده بودند. با توجه به این شرایط، امام از شیوه های متفاوتی نسبت به عهد صاقین علیهم السلام در نشر و گسترش حدیث استفاده می کردند. از جمله اینکه امام از پشت پرده و بیشتر از طریق واسطه ها و وکلاء و نوشته ها با مردم ارتباط برقرار می کرد؛ در صورتی که در زمان صادقین علیهم السلام ارتباط با مردم آزادانه تر و واسطه ها کمتر بودند.

۱-۱) مروری کوتاه بر زندگانی امام حسن عسکری علیہ السلام

در روز هشتم ربیع الثانی یا ۲۴ ربیع الاول سال ۲۳۲ هجری قمری، مدینه منوره



به قدوم مبارک دومین فرزند ذکور امام هادی علیه السلام مزین گشت. (طبرسی، ص ۴۸۵؛ مفید، ج ۲، ص ۳۰۸) این نوزاد فرخنده از دامان مادری پرهیزکار، مؤمنه و دانا به نام سلیل یا حدیث متولد شد. (طبرسی، ص ۴۸۵) امام هادی علیه السلام این نوزاد را حسن نام نهاد و کنیه مبارکش را ابو محمد قرار داد. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵۰، ص ۲۴۲ - ۲۴۴) القاب ایشان عبارت‌اند از: صامت، هادی، رفیق، زکی، سراج، عسکری و نقی. (طبرسی، ص ۴۸۵) از همان بدو تولد، امام هادی علیه السلام ایشان را به عنوان امام و جانشین خود معرفی فرمودند؛ چراکه امام هادی علیه السلام قبل از تولد امام حسن فرزند دیگری به نام محمد داشت و ممکن بود، این شبهه پیش بیاید که او امام و جانشین پدر است؛ لیکن این پسرگرمی که جوانی دانشمند، متقی و والا مقام بود، که در سن جوانی از دنیا رفت و اینک مزار او در فاصله میان بغداد و سامراء واقع است و به نام مقبره «سید محمد» مزار شیعیان می‌باشد. (جائری، ص ۸۴۵)

در اینجا به چند نمونه از نصوصی که دلالت بر امامت ایشان می‌کند، اشاره می‌کنیم: علی بن عمر نوفلی گوید: در صحن منزل امام هادی علیه السلام در خدمتش بودم که سید محمد از نزد ما گذشت. به امام عرض کردم: قربانت گردم، بعد از شما این صاحب ماست؟ فرمود: نه صاحب شما بعد من حسن است. (کلینی، ج ۲، ص ۱۱۳) عبدالله بن محمد اصفهانی نیز در این باره می‌گوید: امام هادی علیه السلام فرمود: «صاحب شما بعد از من کسی است که بر من نماز بخواند» و ما تا آن روز ابا محمد امام حسن عسکری علیه السلام را نمی‌شناختیم (پس از وفات امام هادی علیه السلام ابا محمد علیه السلام بیرون آمد و بر جنازه آن حضرت نماز خواند). (همان، ص ۱۱۴)

امام حسن عسکری علیه السلام در حالی که ۲۲ سال از عمر شریفش می‌گذشت، به امامت رسید و عهده‌دار این منصب الهی گشت. امام حسن علیه السلام در شهر سامرا به حل مشکلات و مسائل مردم همت می‌گماشت و امور شیعیان را سازماندهی می‌فرمود. سالهای امامت آن حضرت مصادف شد با بقیه دوران حکومت معتز عباسی و پس

از آن حکومت مهتدی و در نهایت پنج سال از حکومت معتمد عباسی می‌گذشت (جزائری، ص ۸۴۵) که در سال ۲۶۰ هجری در سن ۲۸ سالگی به شهادت رسید و در منزلش در سامرا در کنار پدر بزرگوارش دفن شد. (شعیری، ص ۵۰)

۲-۱) وضعیت سیاسی - اجتماعی دوران امام حسن عسکری علیه السلام

خلفای عباسی عموماً امامان شیعه را تحت فشار و محدودیت قرار می‌دادند؛ به طوری که تعقیب و مراقبت از امام هادی و امام حسن عسکری به قدری بود که آنان را در میان لشکریان جای داده بودند و به همین دلیل این دورا عسکرین علیه السلام لقب داده‌اند. (مجلسی، بحارالانوار، ج ۵، ص ۱۱۳) با این حال، فشارها و محدودیتها برای امام حسن عسکری علیه السلام به این جهت که در آن دوران شیعه به صورت یک قدرت عظیم در عراق درآمده بود (و این باعث می‌شد که خلفاء احساس خطر کنند) بیش از دیگران بود. (معارف، ص ۳۷۳)

دودمان عباسی، طبق روایات فراوان و متواتر می‌دانستند که مهدی، از بین برنده حکومتهای باطل و برپاکننده حق، فرزند امام حسن عسکری علیه السلام خواهد بود. این موضوع باعث شده بود تا حکومت عباسی به شدت، حضرت عسکری را تحت کنترل قرار دهد. (ابن شهر آشوب، ج ۴، ص ۴۳۴) این امر موجب محدود شدن ارتباط شیعیان با ایشان شده بود. در برخی از گزارشها آمده است که امام در هر هفته، دو روز می‌بایست به مرکز حکومت مراجعه می‌کرد. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۳۷)

شیعیان معمولاً در مسیری که امام به مرکز حکومت رفت و آمد می‌کرد، با آن حضرت ملاقات می‌کردند. در کتاب الغیبه آمده است که در یوم النوبه (روز مراجعه امام به مرکز حکومت) شور و شعفی در میان مردم پدید می‌آمد و خیابانها مملو از جمعیت می‌شد. آنگاه که امام در خیابان حضور می‌یافت، هیاهو خاموش می‌شد و امام از میان مردم عبور می‌کرد. (طوسی، الغیبه، ص ۲۵۱)

بنابراین، محیط خشن سامرا و خفقان حاکم بر آن همواره با زیر نظر بودن شدید

امام، موجب شد که امام از طریق وکلا و به وسیله مکتوبات و توقیعات با شیعیان ارتباط برقرار کنند. ارتباطی این‌گونه، یعنی حضور در میان مردم و عدم مواجهه مستقیم با آنان، زمینه لازم را برای دوران غیبت فراهم آورد؛ به طوری که بحرانی در کتابش آورده است که امام حتی به هنگام سخن گفتن با اصحاب خویش نیز از پس پرده با آنان صحبت می‌کرد. آنان صدای امام را می‌شنیدند؛ ولی صورت ایشان را نمی‌دیدند. (بحرانی، ص ۲۶۲)

۳-۱) شیوه‌های نشر حدیث در دوران امام حسن عسکری (علیه السلام)

۱-۳-۱) مسائل

مسائل دارای مفاهیم متعددی است؛ اما در زمان امام حسن عسکری (علیه السلام) بیشتر به دو مفهوم مسائل آزمودنی و مسائل شرعی به کار رفته و در این دو مفهوم که در نهایت به یک نتیجه می‌رسند، مخاطب اصلی سؤالات، امامان بوده‌اند و پاسخ آنان مانند دیگر روایاتشان حجت بوده است. (معارف، ص ۳۳۹)

۱-۳-۱) مسائل آزمودنی

منظور آن دسته از مسائلی است که اصحاب ائمه (علیهم السلام) به تدریج، فراهم کرده و با استفاده از آن، امامت امامان شیعه را به آزمون می‌گذاشتند. این مسائل آزمودنی پس از دوران امام صادق (علیه السلام) که میزان تردید در شناخت امامان (علیهم السلام) زیاد گردید، یکی از راههای شناخت امام بر حق بود که با طرح سؤالاتی، امامت وی را می‌آزمودند. در صورتی که مدعی امامت بدون تأمل و به طور صحیح به سؤالات پاسخ می‌داد، امامت و حقانیت او بر مراجعان ثابت می‌شد. (همو، ص ۳۴۰) نخستین بار امام صادق (علیه السلام) به یاران خود سفارش کرد تا به عنوان یکی از راههای شناخت امام (علیه السلام) با طرح سؤالاتی امامت وی را بیازمایند. (کلینی، ج ۱، ص ۲۸۴)

۲-۱-۳-۱) مسائل شرعی روزمره

منظور از مسائل شرعی روزمره آن دسته از سؤالات است که شیعیان در مقام

انجام تکالیف دینی یا در برخورد با مخالفان خود به آن برخورد می‌کردند و با شرفیابی به محضر ائمه علیهم‌السلام یا از طریق مکاتبه، حکم آن را از امامان جویا می‌شدند. از عهد امام دهم به بعد که تماس شیعیان با امامان خود محدود شد، سؤالات شیعیان دست به دست می‌گشت تا به امام برسد و جواب صادر گردد. پاسخها در حکم روایت و حدیث به شمار می‌رفت. (معارف، ص ۳۴۲)

از جمله افرادی که در زمان امام حسن عسکری علیه السلام واسطه مسائل بودند، محمد بن عثمان عمری (نجاشی، ص ۴۴۲) محمد بن سلیمان ابوطاهر زراری (همو، ص ۳۴۸)، محمد بن ریّان بن صلت اشعری (همو، ص ۳۷۱)، محمد بن علی بن عیسی قمی (طوسی، الفهرست، ص ۴۴۱) و صاحب کتاب مسائل إلی أبی محمد العسکری، یعنی محمد بن حسن بن صفار (همان، ص ۳۸۳) و ... بوده‌اند. با توجه به کتابهای رجالی روشن می‌گردد که اولاً در ترجمه هر یک از این اشخاص آمده است: «له مسائل»؛ ثانیاً نام امامی که این مسائل به وی تعلق دارد، ذکر شده است.

۱-۳-۲) مکاتبه

فضای اجتماعی و وضعیت سیاسی حاکم بر جامعه، اقتضا می‌کرد که بیشتر احادیث امام از طریق مکاتبه انتشار یابد. این مکتوبات را می‌توان به دو بخش کلی تقسیم نمود:

بخش اول عبارت است از نامه‌ها، دستورالعملها و حتی پیغامهای ائمه علیهم‌السلام که خطاب به نمایندگان خود یا شیعیان مستقر در یک ناحیه ارسال می‌کردند و در آن نامه‌ها و رسائل، وظایف و تکالیف آنان را در پیش آمدهای سیاسی و اجتماعی روشن می‌ساختند.

بخش دوم از مکتوبات حدیثی، عبارت است از پاسخهای ائمه علیهم‌السلام در ذیل سؤالاتی که شیعیان از نقاط مختلف ارسال می‌کردند. (معارف، ص ۳۴۳-۳۴۴) به عنوان مثال، علی بن یقطين به امام حسن عسکری نوشت: اگر کسی اجرای وصیت را به

فرزندان خود محوّل کند، در صورتی که برخی نابالغ اند، آیا فرزندان بالغ می توانند وصیت پدر خود را اجرا کنند؟ ابو محمد در پاسخ نوشت: بلی. (کلینی، ج ۷، ص ۴۶) در مواردی که سؤال کننده سؤال خود را می نوشت و جای پاسخ را خالی می گذاشت، امام علیه السلام در ذیل همان سؤال پاسخ را با خطّ مبارک خود درج می نمود. پاسخی که بدین طریق دریافت می شد، توقیع می خواندند. (معارف، ص ۳۴۷) به عنوان نمونه، عبدالله بن جعفر حمیری که از مشایخ قم به شمار می رفت، دارای سه کتاب در باب رسائل و توقیعات امام هادی و امام حسن عسکری علیه السلام است. (طوسی، الفهرست، ص ۲۹۳)

۳-۳-۱) سازمان وکالت

گسترده‌گی و پراکندگی مراکز تجمّع شیعیان، وجود سازمان ارتباطی منظمی را ایجاب می کرد؛ تا پیوند شیعیان را با حوزه امامت از یک سو، و ارتباط آنان را با همدیگر از سوی دیگر برقرار سازد و از این رهگذر، آنان را از نظر دینی و سیاسی رهبری و سازماندهی کند.

این نیاز از زمان امام جواد علیه السلام احساس می شد و در زمان امام حسن عسکری علیه السلام به یک سازمان منسجم، گسترده و فراگیر تبدیل شده بود. نهاد وکالت شخصی ارشد را در رأس خود داشت که با امام ارتباطی مستمر برقرار می کرد. مقام و موقعیت وکیل ارشد و نایب خاص برای همه شیعیان، به خصوص برای وکیلان رده پایین تر، شناخته شده و پذیرفته بود. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۳۹) در کتاب رجال کشی آمده است که امام طّی نامه ای به صورت رسمی، ابراهیم بن عبده را به وکالت در منطقه بیهق و نیشابور منصوب کرده است. (کشی، ج ۲، ص ۷۹۷) در همین کتاب، در نامه ای دیگر، امام به ارتباط بین وکیلان و وکیل ارشد اشاره کرده است. (همو، ص ۸۴۸) وکیلان علاوه بر جمع آوری اموال مربوط به امام از تمامی مناطق شیعه نشین و تحویل آن به امام یا وکیل ارشد ایشان، رد و بدل کردن نامه های شیعیان به امام و پاسخ امام به فرستادگان نامه ها را نیز به عهده داشتند. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه،

ص ۳۳۹) وکیلان معمولاً از افراد موجه اجتماعی بودند. می توان گفت که شخصیت عمومی و وجهه اجتماعی وکیل، بر دانش و علم او مقدم تر بود؛ از این رو وکیلان معمولاً از شخصیت های سرشناس علمی نبودند. (سبحانی، ص ۲۹۷)

عثمان بن سعید، شخصیت موجه و شناخته شده شیعی، وکیل ارشد امام بود و همه اموال به دست او می رسید. (طوسی، الغیبه، ص ۳۵۴) فرزند او محمد بن عثمان نیز منصب وکالت را به عهده داشت. (همان، ص ۴۰۰) احمد بن اسحاق اشعری، از عالمان بزرگ قم و از اصحاب خاص امام حسن عسکری (ع) وکیل آن حضرت در ناحیه قم بود. (طوسی، الفهرست، ص ۶۳) و از وکلای بغداد می توان به ریّان بن صلت بغدادی خراسانی اشعری اشاره کرد. (همان، ص ۲۹۵) وکیل آن حضرت در کوفه ایوب بن نوح بن دراج بود (طوسی، ص ۴۹۶) و علی بن جعفر همانی برمکی از وکلای مکه (مجلسی، زندگانی حضرت جواد و عسکریین (ع)، ص ۱۹۵) و عبدالله بن حمدویه بیهقی از وکلای حضرتش در بیهق و نیشابور بود. (طوسی، الغیبه، ص ۲۶۸)

۴-۱) آثار منسوب به امام حسن عسکری (ع)

۴-۱-۱) آثار مکتوب

۴-۱-۱-۱) تفسیر قرآن

یکی از مهم ترین مباحث در حوزه میراث حدیثی امام حسن عسکری (ع)، بحث درباره تفسیر منسوب به آن امام است. این کتاب، مجموعه روایات تفسیری است که تنها به سورة فاتحه الکتاب و بقره پرداخته است. این کتاب را شیخ صدوق به نقل از محمد بن قاسم استرآبادی و او به نقل از یوسف بن محمد بن زیاد و علی بن محمد بن یسار و آن دو نیز از امام حسن عسکری (ع) نقل کرده اند. (ابن بابویه، ج ۲، ص ۳۲۷) از قرن چهارم هجری که این کتاب منتشر شد و در دسترس عموم قرار گرفت، همیشه مورد بحث بوده و مخالفان در این باره اظهار نظر کرده اند.

شدیدترین موضع گیری را ابن غضائری ابراز کرده است. ایشان می نویسد:



محمد بن قاسم، مفسر اهل استرآباد که ابو جعفر (شیخ صدوق) از او روایت می‌کند، ضعیف و دروغ‌گوست و در عین حال، از دو نفر مجهول، روایت کرده که اینها همه دال بر این است که تفسیر جعلی است. (واسطی بغدادی، ص ۹۸)

علامه حلی (حلی، ص ۵۰)، علامه شوشتری (شوشتری، ج ۱، ص ۱۵۲)، ابن شهر آشوب (ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۳۰۰) و آیت الله خویی از مخالفان انتساب این کتاب به امام حسن عسکری علیه السلام هستند. برخی از مخالفان در رد انتساب کتاب به امام عسکری علیه السلام به ضعف سندی و اکثر آنها به ضعف محتوایی برخی از متون مندرج در کتاب استناد کرده‌اند. آیت الله خویی در این باره می‌نویسد: کسی که بدین تفسیر بنگرد و در آن تأمل کند، هیچ شکی در جعلی بودن آن نخواهد کرد؛ زیرا هیچ شخص عالم و دانشمندی چنین نگاشته‌ای را نمی‌نگارد؛ چه برسد به امام معصوم. (خویی، ج ۱۳، ص ۱۵۹)

بسیاری از عالمان شیعی هیچ اشاره‌ای به این کتاب نکرده‌اند؛ در حالی که اگر این کتاب منسوب به امام باشد و در اختیار و مورد تأکید آنان می‌بود، از آن استفاده می‌کردند. برقی، علی بن ابراهیم قمی، ثقة الاسلام کلینی، شیخ مفید و سید مرتضی از این گروه هستند.

در بین موافقان، کسانی هستند که این کتاب را موضوع نمی‌شمرند؛ بلکه با اعتماد بر کل کتاب یا برخی از متون آن، به طور اجمالی، انتساب کتاب به امام را پذیرفته‌اند؛ گرچه ممکن است برخی از متون را ضعیف و یا ناصحیح بدانند. شیخ صدوق، قطب الدین راوندی، شهید ثانی، مجلسی اول، علامه مجلسی، محدث نوری و آقابزرگ تهرانی از این گروه‌اند. (استادی، ص ۷۲۰-۷۳۲)

شیخ صدوق، محمد بن قاسم را با دعای رضی الله عنه یاد کرده است؛ ولی این‌گونه یاد کردن را نمی‌توان دلیل بر وثاقت او دانست. افزون بر آن، دو نفر راوی اصلی متن تفسیر نیز مجهول‌اند و توثیق یا مدح خاصی در مورد آنها موجود نیست.

بنابراین با توجه به معیار وثوق سندی، ضعیف شمرده می شود.

روشن است که عنوان «ضعیف»، تفاوت ماهوی با وصف «موضوع» دارد. در حدیث موضوع، متنی جعل شده است که دلایل قطعی بر عدم صدور آن از معصوم علیه السلام وجود دارد. (مدیرشانه چی، ص ۱۷۰) بنابراین ضعف سندی کتاب، متون آن را از حجیت ساقط می کند؛ ولی دلیلی بر وضع و جعل آن نخواهد شد. برخی از متون موجود در کتاب به لحاظ محتوایی مشکل اساسی دارند؛ به گونه ای که از حجیت ساقط شده اند. وجود این متون، اگر چه اعتماد به کتاب را کاهش می دهد؛ ولی دلیل بر جعلی بودن تمامی کتاب نیستند.^۱

۲-۱-۴-۱) کتاب المنقبه

این کتاب شامل احکام شرعی است. علامه آقابزرگ طهرانی درباره آن نوشته است: شامل بیشتر احکام و مسائل حلال و حرام است. (آقابزرگ طهرانی، ج ۲۳، ص ۱۴۹) بعضیها این کتاب را به امام حسن عسکری نسبت داده اند. (ابن شهر آشوب، ص ۱۲) بیضاوی در الصراط المستقیم این کتاب را به امام حسن عسکری علیه السلام نسبت داده است. (غروری نائینی، ص ۳۰۱)

۳-۱-۴-۱) کتاب الحجب فی التفسیر

سمعانی در کتاب الانساب، این کتاب را از آثار آن حضرت نام برده است. (سمعانی، ج ۱، ص ۵۰۷) به غیر ایشان تا جایی که فرصت تحقیق بود، در جای دیگری مشاهده نشد که از این اثر نام برده باشند.

۲-۴-۱) آثار غیر مکتوب

۱-۲-۴-۱) حکمتها و سخنان پندآموز

امام حسن عسکری علیه السلام همچون پدران گرامی خود، در هر فرصتی، سخنان

۱. در شماره ۳۵ سفینه گفتاری از آیت الله سید احمد صفایی خوانساری در اثبات انتساب و اعتبار این تفسیر به امام عسکری علیه السلام چاپ شده است. (ویراستار)

حکمت آموز و موعظه‌هایی ایراد می نمودند. از جمله اینکه حضرت فرمودند: شرک ورزیدن مردم پنهان‌تر از حرکت مورچه بر پلاس سیاه در شب سیاه است. (شیخ حرّ عاملی، ج ۱۶، ص ۲۵۴؛ ابن شعبه حرانی، ص ۴۸۷)

۱-۲-۴-۲) دعا و حرز

از امام حسن عسکری دعاها و حرزهایی روایت شده است که در اینجا به یک نمونه بسنده می‌کنیم:

ای شنونده‌ترین شنوندگان! وای بیننده‌ترین بینندگان! وای سریع حساب‌کننده حساب‌کنندگان! وای رحیم‌ترین رحم‌کنندگان! وای حکم‌کننده‌ترین حکم‌کنندگان! بر محمد و آل محمد صلوات بفرست و روزی مرا وسعت ده و عمر مرا طولانی گردان. با رحمت خود بر من منت گذار و مرا از کسانی قرار ده که دین تو را یاری می‌دهند و دیگری را جای من قرار مده. (ابن بابویه، ج ۱، ص ۳۳۶؛ طبرسی، اعلام الوری بأعلام الهدی، ص ۳۷۴)

۱-۲-۴-۳) وصیتها و سفارشها

آن حضرت در هر موقعیتی که به دست می‌آوردند، شیعیان را وصیت و سفارش می‌کردند. به عنوان مثال، در سفارش به شیعیان فرمودند:

شما را وصیت می‌کنم به تقوای الهی و راستگویی در گفتار و بازگرداندن امانت به کسی که به شما اعتماد کرده است، چه نیکوکار باشد و چه بدکار. شما را به سجده‌های طولانی و حسن معاشرت با همسایگان سفارش می‌کنم؛ زیرا محمد ﷺ برای این مطالب برانگیخته شده است. (عیاشی، ج ۲، ص ۲۸۶)

۱-۵-۱) مدارس حدیثی در دوران امام عسکری (ع)

۱-۵-۱) سامرا

سامرا در انتهای ثلث اول قرن سوم هجری تأسیس و به عنوان پایتخت دولت عباسی مطرح شد. (جباری، ص ۱۳۲) چیزی نگذشت که متوکل عباسی امام هادی (ع) را

را به این شهر فرا خواند و از آن پس، این شهر به محل تجمع شیعیان و رهبری آنان تبدیل شد. هر چند آن حضرت تحت نظر بودند، ولی به طرق مختلف، روابط ایشان با شیعیان برقرار بود. امام حسن عسکری علیه السلام نیز تمامی دوران کوتاه مدت امامتش را در این شهر می‌زیست. تعدادی از اصحاب ایشان در سامرا عبارت‌اند از: عمر بن ابی مسلم (کلینی، ج ۲، ص ۴۴۴)، ابی الصهبان (طوسی، الفهرست، ص ۳۷۸)، نصر بن حازم قمی. (همان، ص ۴۲۵)

در این دوران، مدرسه حدیثی سامرا در مقایسه با مدارس قم و بغداد که از چندین دهه پیش شروع به فعالیت کرده بودند، چندان رونق نگرفته بود و نمی‌توان آن را مدرسه‌ای همچون دیگر مدارس به حساب آورد؛ ولی چون امام حسن عسکری علیه السلام و پدر بزرگوارشان در این شهر بودند، باعث شد اصحابشان نیز به تبع ایشان در این شهر حضور پیدا کنند. بیشتر احادیثی را که از ایشان روایت کرده‌اند مبتنی بر مسائل فقه و قواعد فقه است.

۱-۵-۲) قم

حوزه حدیثی قم در زمان امام حسن عسکری علیه السلام رونق گرفته و شکوفا شده بود. اساتید حدیثی از مناطقی مثل کوفه به قم می‌آمدند و همراه با دانشمندان قم، به تعلیم و آموزش مشتاقانی می‌پرداختند که از این شهر و از نقاط اطراف قم، برای آموزش حدیث، به قم مراجعه می‌کردند. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۴۱)

از ویژگیهای اصلی و مهم مکتب حدیثی قم، گرایش شدید آنان به احادیث و نصوص دینی و پرهیز از دخالت دادن هر امر دیگر، اعم از احکام مستقل عقلی یا ظنون غیر معتبر، در مقوله فهم دین و استنباط احکام است. (همو، ص ۳۴۲) از دیگر ویژگیهای مکتب حدیثی قم، پرهیز محدثان از نقل احادیث ضعیف یا منقول از ضعفا و همچنین احادیث غلوآمیز بود. از جمله اشخاصی که از این حوزه حدیثی با حضرت عسکری در ارتباط بودند، محمد بن حسن بن صفار (طوسی، الفهرست، ص ۴۰۸)

زکریابن آدم قمی (همان، ص ۲۰۶) و سعدبن عبدالله اشعری قمی (همان، ص ۲۱۱) می‌باشند.

۱- ۵- ۳) بغداد

بغداد از جمله شهرهای مهم اسلامی در عراق بود که از بدو پیدایش و تأسیس به محلّ حضور شیعیان تبدیل گشت و زمانی که مدرسه کوفه رو به زوال نهاده بود، بسیاری از محدثان آن به بغداد منتقل شده بودند. (جباری، ص ۱۳۰)

مهاجرت طلاب از سایر مناطق جهان اسلام به حوزه بغداد، باعث گسترده‌گی علوم، دانش، تحقیق و اجتهاد شد. در این دوره اجتهاد به سبک شیعی آن شکل می‌گیرد و مناظره و گفتگوی رو در رو میان صاحبان افکار و عقاید مختلف به وجود می‌آید. (طباطبائی، تاریخ حدیث شیعه، ص ۳۴۸)

برخی از اصحاب امام حسن عسکری علیه السلام در این حوزه عبارت‌اند از: عثمان بن سعید عمری (ابن بابویه، ج ۴، ص ۵۱۰)، علی بن محمد بن احمد متیل قمی (طوسی، الغیبه، ص ۳۶۹) و حسن بن متیل قمی (همان، ص ۳۶۹) دیگر اعضای خاندان متیل قمی نیز ساکن بغداد بودند.

نتیجه‌گیری

در زمان امام حسن عسکری علیه السلام با توجه به شرایط سیاسی و جوّ خفقان اجتماعی، ارتباط ایشان با شیعیان آزادانه نبود و اصحابشان به صورت محرمانه با ایشان در ارتباط بودند. به تبع این شرایط اجتماعی، شیوه‌های نشر حدیث عموماً یا به صورت مسائل و مکاتبه با حضرت بود، یا اینکه از طریق واسطه‌ها و وکلای مورد اعتماد ایشان در مناطق شیعه نشین بود که احادیث ایشان را به شیعیان منتقل می‌کردند و مشکلات و مسائل آنها را با امام در میان می‌گذاشتند.

آثاری نیز به امام حسن عسکری علیه السلام نسبت داده‌اند؛ از جمله: تفسیر منسوب به امام عسکری علیه السلام که برخی همچون ابن غضائری، علامه حلی، علامه شوشتری و

آیت الله خویی از مخالفان انتساب این کتاب به امام حسن عسکری علیه السلام می باشند و برخی دیگر همچون علامه مجلسی، شهید ثانی و محدث نوری این کتاب را به ایشان نسبت داده اند. از دیگر آثاری که به ایشان نسبت داده اند کتاب المنقبه و کتاب الحجب فی التفسیر است.

با توجه به اینکه امام در شهر سامرا سکونت داشتند، اصحاب و شاگردان ایشان به این شهر می آمدند و با حضرتش ملاقات می کردند. به همین دلیل بود که شهر سامرا به محلی برای تجمع و رفت و آمد شیعیان تبدیل شد و مدرسه حدیثی سامرا کم کم پایه ریزی گشت. از دیگر حوزه ها، حوزه حدیثی قم و حوزه بغداد، اساتید برجسته این حوزه ها از شاگردان و اصحاب این امام بزرگوار بودند و واسطه بین این حضرت و شیعیان آن زمان به شمار می رفتند.

منابع

قرآن کریم، ترجمه: محمد مهدی فولادوند

۱. ابن بابویه، محمد بن علی. من لا یحضره الفقیه. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۴۱۳ ق.
۲. ابن شعبه حرّانی، حسن بن علی. تحف العقول. تحقیق: علی اکبر غفاری، قم: جامعه مدرسین، ۱۴۰۴ ق.
۳. ابن شهر آشوب. مناقب آل ابی طالب. نجف: حیدریه، ۱۳۷۶ ش.
۴. استادى، رضا. مؤخره تفسیر منسوب به امام حسن عسکری علیه السلام، قم: مدرسه امام مهدی (عج)، ۱۴۰۹ ق.
۵. آقابزرگ تهرانی. الذریعه. بیروت: دارالاضواء، ۱۴۰۳ ق.
۶. بحرانی، هاشم. بهجه النظر فی اثبات الوصایه و الإمامه للأئمه الاثنی عشر. مشهد: بنیاد پژوهشهای اسلامی آستان قدس رضوی، ۱۴۲۷ ق.
۷. جبارى، محمد رضا. مکتب حدیثی قم. قم: زائر، ۱۳۸۴ ش.
۸. جزائری، نعمت الله. قصص الانبیاء. مترجم: فاطمه مشایخ، تهران: فرحان، ۱۳۸۱ ش.
۹. حرّعاملی، محمد بن حسن. وسائل الشیعه. قم: موسسه آل البيت علیهم السلام، ۱۴۰۹ ق.
۱۰. خویی. معجم الرجال الحديث. ۱۴۱۳ ق.
۱۱. سبحانی، جعفر. کلیات علم رجال. مترجم: مسام قلبیورگیلانی، علی اکبر روحی، قم: قدس، ۱۳۸۹ ش.
۱۲. سمعانی. الانساب. بیروت: دارالجنان، ۱۴۰۸ ق.
۱۳. شعیری، محمد بن محمد. کاشف الأستار. مترجم: شرف الدین خویدکی، تهران: کتاب فروشی اسلامی، ۱۳۸۸ ش.
۱۴. طباطبائی، محمد حسین. المیزان فی تفسیر القرآن. مترجم: محمد باقر موسوی همدانی، قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۴ ش.
۱۵. طباطبائی، محمد کاظم. تاریخ حدیث شیعه (۱). تهران: سمت، ۱۳۸۸ ش.
۱۶. طبرسی، فضل بن حسن. اعلام الوری بأعلام الهدی. تهران: اسلامی، ۱۳۹۰ ش.
۱۷. طوسی، محمد بن حسن. الغیبه. تحقیق: عبدالله تهرانی، علی احمد ناصح، قم: دارالمعارف الاسلامیه، ۱۴۱۱ ق.

۱۸. ————— فهرست کتب الشیعه و اصولهم و أسماء المصنفین و اصحاب الاصول. قم: ستاره، ۱۴۲۰ ق.
۱۹. علامه حلی، حسن بن یوسف. خلاصة الاقوال فی معرفه الرجال. قم: نشر فقهه، ۱۴۰۷ ق.
۲۰. علامه شوشتری، محمدتقی. مستدرک الاخبار الدخیلة. تهران: کتابخانه صدوق، ۱۳۶۷ ش.
۲۱. عیاشی، محمدبن مسعود. تفسیر عیاشی. تحقیق: هاشم رسولی محلاتی، تهران: المطبعة العلمیه، ۱۳۸۰ ش.
۲۲. غروی نائینی، نهل. تاریخ حدیث شیعه. قم: شیعه شناسی، ۱۳۸۶ ش.
۲۳. کشی، محمدبن عمر. رجال کشی. قم: موسسه آل البیت علیهم السلام، ۱۳۶۳ ش.
۲۴. کلینی، محمدبن یعقوب. اصول کافی. مترجم: جواد مصطفوی، تهران: کتاب فروشی علمیه اسلامی، ۱۳۶۹ ش.
۲۵. مجلسی، محمدباقر بن محمدتقی. بحارالانوار. بیروت: دارالحیاء التراث العربی، ۱۴۰۳ ق.
۲۶. مدیر شانهچی، کاظم. علم الحدیث و درایه الحدیث. قم: دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۵ ش.
۲۷. معارف، مجید. پژوهشی در تاریخ حدیث شیعه. تهران: موسسه فرهنگی و هنری ضریح، ۱۳۷۶ ش.
۲۸. مفید، محمدبن محمد. الارشاد. مترجم: هاشم رسولانی محلاتی، تهران: اسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۲۹. نجاشی، احمدبن علی. رجال نجاشی. قم: موسسه نشر الاسلامی، ۱۳۶۵ ش.
۳۰. واسطی بغدادی، احمدبن حسین. الرجال لابن الغضائری. تحقیق: محمد رضا حسینی، قم: دارالحدیث، ۱۳۶۴ ش.